

حقوق تجارت

کرده باشد که در این صورت منتقل الیه مسئول تأدیه بقیه است .

ماده مزبور در مورد سهام بی اسم چنانچه در گذشته ملاحظه شد مضر بحال شرکتهای سهامی و طلبکاران آن بوده و باین مناسبت تجدید نظر در ماده مزبور بموقع ومورد انتظار است .

تخلف از انجام تعهدات و رعایت مقررات فوق الذکر بر حسب مادین ۳۲ و ۳۳ قانون تجارت موجب مطالبه خسارت تأخیر اداء از قرار صدی دوازده و ضبط سهام از طرف شرکت خواهد شد .

کسانی که خود را برخلاف واقع صاحب سهم یا قطعات سهام قلمداد کرده و در مجمع عمومی وارد شوند یا در دادن رأی شرکت کنند و یا سهامی را برای اینکه بطور قلب استعمال شود بدیگری بدهند بموجب ماده ۹۰ قانون تجارت بهانصد الی ده هزار ریال جزاء نقدی علاوه بر خسارت وارده بر شرکت یا افراد محکوم خواهند شد و متخلف را می توان علاوه بر جزای نقدی فوق الذکر بیک تا شش ماه حبس تأدیبی نیز محکوم نمود .

مسئولیت شرکاء در مقابل شرکت و طلبکاران است بنا بر این در صورتیکه بعضی از شرکاء باقی مانده قیمت اسمی سهام خود را ادا کرده باشند و با وجوه مزبور طلب دیان کلا پرداخته شده باشد بر رخ دیگر از شرکاء نمیتوانند باستدلال اینکه دین طلبکاران ادا شده و دیگر مسئولیتی برای شرکت باقی نیست تا آنها ملزم بانجام آن باشند از تأدیه بقیه قیمت اسمی سهام خود امتناع ورزند ادعای مزبور مضر بحال سایر شرکاء و قابل قبول نیست .

کلیه صاحبان سهام قطع نظر از عهده سهام خود حق حضور و به نسبت هر یک سهم یک رای دارند ولو اینکه اساسنامه بر خلاف این مقرر داشته باشد

بموجب ماده ۵۹ قانون تجارت صاحبان سهام در مواردیکه مدیران طبق ماده ۵۸ قانون مزبور بجمع عمومی را دعوت ننموده باشند و با مجمعی که دعوت میشود نتواند مطابق مقررات قانونی منعقد گردد می تواند انحلال شرکت را از محاکم صالحه بخواهند .

حدود مسئولیت شرکاء

در شرکتهای سهامی مسئولیت صاحبان سهام بموجب ماده ۲۱ محدود به سهام آنها است و بموجب صریح ماده ۷۴ با هیچ اکثریتی نمیتوان بر مسئولیت و تعهدات آن ها افزود .

انتقال سهام مادام که پنجاه در صد قیمت اسمی آن تأدیه نشده رافع مسئولیت متعهد در مقابل شرکت و طلبکاران نخواهد بود چنانچه ماده ۳۰ مقرر میدارد که کسانی که تعهد ابتیاع سهام نموده اند تا موقعیکه پنجاه درصد قیمت اسمی سهام خود را پرداخته اند مسئول تأدیه بقیه قیمت آن خواهند بود اگر چه سهام خود را بدیگری منتقل نموده و منتقل الیه نیز بقیه را تعهد کرده باشد ولی بعد از اداء پنجاه درصد قانون تجارت بموجب ماده ۳۱ تخفیفی نسبت بحکم کانی فوق در زمینه مسئولیت متعهد قائل شده است چه ماده مزبور تصریح دارد باینکه بعد از تأدیه پنجاه در صد نیز کسی که تعهد ابتیاع سهمی را کرده است از تأدیه بقیه قیمت آن بری نخواهد بود مگر اینکه اساسنامه شرکت آنرا مجوز

الزامی است .

ه - مدیران ، اختیارات و وظایف

و حدود مسئولیت آنها

اداره کردن و تنظیم هر مؤسسه ، اداره یا شرکتی غالباً بدست اشخاص بصیر با اطلاع انجام میگردد که با هم مدیر نامیده شده و قانون تجارت نیز با تبعیت از قانون مدنی لفظ مزبور را برای اداره کنندگان شرکتهای تجاری اتخاذ کرده است لذا اشاره باشخاص مزبور باسامی از قبیل رئیس و امثال آن جایز نیست و برای احترام و اجتناب از اشکالات محتمل الوقوع خود داری از استعمال عناوینی که در قانون پیش بینی نشده ضروری است .

بموجب ماده ۴۸ قانون تجارت شرکتهای سهامی بواسطه يك یا چند نفر « نماینده » موظف یا غیر موظف که از میان شرکاء بسمت مدیری و برای مدت محدود تعیین شده و قابل عزل میباشند اداره خواهد شد با توجه به ماده مزبور مدیران شرکتهای سهامی همیشه لزوماً نماینده شرکت خواهند بود ولی عکس آن جایز نیست چه نماینده شرکت لزماً مدیر شرکت نمی باشد مدیران مزبور اشخاصی هستند که بفتح شخصی و شرکت امور آنها اداره میکنند و صرف موقعیت آنان در رأس دایره تجاری که مستلزم ورود در دادوستد و معاملات تجاری و مداخله در امور شرکت است کافی برای اطلاق تاجر باشخاص مزبور طبق ماده ۱ از قانون تجارت نمی باشد تا بتوان آنها را بدستور ماده ۶ قانون مزبور بداشتن دفاتر تجاری شخصی و ادار نمود یا بدون دلائل و مدارك دیگری دایره بر تاجر بودن اشخاص مزبور حکم به توقف ورشکستگی آنان داد - در صورتی ممکن بود صرف موقعیت مدیران را کافی برای تاجر شناختن آنها دانست که مغایرتی بین شخصیت شرکت و مدیران موجود نباشد و گرچه در اقدامات و عملیات شرکت مدیران مظهر آن شناخته شده ولی معذالك در تفاوت بین دو شخصیت مزبور تردیدی نشده است .

مراتب فوق مربوط بصاحبان سهام نقدی بوده و در مورد سهام غیر نقدی بموجب ماده ۴۲ قانون تجارت در موردی مسئولیت متوجه صاحبان آن خواهد شد که در تقویم سهم غیر نقدی تزییر و تقلبی بعمل آمده باشد .

اثرات فوت و ورشکستگی صاحبان سهام

هر چند قانون تجارت نسبت بانثار فوت و ورشکستگی صاحبان سهام شرکتهای سهامی ساکت است ولی بر حسب مستفاد از کلیات قوانین کنوری در صورت فوت صاحب سهم بقیه قیمت اسمی سهم جزء دیون متوفی محسوب و از محل ترک قابل پرداخت است و در صورتیکه ورثه یا قائم مقام متوفی تقاضای ثبت اسم خود را در دفتر شرکت بعنوان صاحب سهم بنمایند و عمل مزبور مطابق مقررات انجام شود ورثه یا قائم مقام مذکور شخصاً مسئول تأدیه بقیه قیمت آن خواهند بود هرگاه صاحب سهمی ورشکست گردد اگر سهام در دست مدیر تصفیه باقی بماند و بفروش نرسد قاعدتاً منعی نخواهد داشت از اینکه شرکت بتواند در ردیف سایر طلبکاران بقیه قیمت اسمی سهام خود را مطالبه نماید در این صورت بدیهی است اگر بقیه قیمت اسمی سهام مزبور تومان شمار ادا نشده باشد شرکت نمی تواند بعداً مزاد را از متوقف مطالبه نماید چه عمل مزبور اقدام بضرر سایر طلبکاران بوده و جایز نیست علیهذا سهام مزبور از لحاظ متوقف تأدیه شده محسوب است ولی از لحاظ شرکت نمی توان آنرا تأدیه شده محسوب داشت که در موقع انحلال شرکت دارنده آن از حیث حقوق در ردیف صاحبان سهامی قرار گیرد که تمام قیمت اسمی سهام خود را پرداخته اند .

اگر مدیر تصفیه سهام مزبور را انتقال دهد بانوجه بمقررات مربوطه که در گذشته ملاحظه شد مسئولیت بقیه قیمت اسمی سهام متوجه منتقل آلیه خواهد بود و شرکت حق مراجعه بمدیر تصفیه را نخواهد داشت .

رعایت مراتب فوق در صورتی است که اساسنامه شرکت ترتیب خاصی را مقرر نداشته باشد و الا در درجه اقل رعایت مقررات اساسنامه در این قبیل موارد

انتخاب مدیران

اولین مدیران شرکتهای سهامی چنانچه مادتهای ۴۰ و ۴۶ قانون تجارت تصریح دارد توسط اولین مجمع عمومی شرکت انتخاب میشوند و برحسب مستفاد از ماده ۴۷ قانون مزبور قبولی مدیران نتیجه شرط صحت انتخاب و موجب تشکیل شرکت خواهد بود بنا براین نمی توان اشخاص را بدون رضایت آنها بسمت مدیری شرکت سهامی انتخاب و معین نمود.

مدت انتخاب مدیران بموجب ماده ۴۸ فوق الذکر محدود و اولین مدیرها بموجب ماده ۴۶ منتهی برای مدت چهارسال معین میشود.

انتخابات بعدی برحسب مستفاد از ماده ۴۶ مذکور بطور کلی تابع مقررات اساسنامه خواهد بود که ممکن است بموجب آن مجمع عمومی شرکت مداخله در انتخاب داشته باشد یا آنکه هیئت مدیره قبل از انقضاء مدت جانشین خود را تعیین کند و در مورد اخیر که تعیین موکول به تصویب مجمع عمومی نمی باشد بموجب قانون مدت خدمت بیش از دو سال نخواهد بود.

تجدید انتخاب مدیران منع قانونی نداشته بلکه تجویز آن از لحن ماده ۴۶ قانون تجارت استفاده می شود.

نظر باینکه بموجب ماده ۴۸ قانون مذکور مدیران قبل عزل میباشند مدتی که مدیران برای انجام وظیفه معین میشوند قطعی نیست و در صورت تخلف یا کوتاهی در انجام وظیفه و عدم لیاقت یا اقدام بعمل منافی با مصالح شرکت بدون مجوز قانونی میتوان آنان را از شغل خود منفصل و معزول نمود.

مدیران بموجب صریح قانون و از نقطه نظر سیاست و حفظ منافع شرکت همیشه از بین شرکاء انتخاب میشوند که شخصاً در امور شرکت ذی علاقه باشند ولی امر مزبور مانع نیست از اینکه اشخاص غیر از شرکاء در اداره کردن امور شرکت مداخله داشته باشد زیرا ماده ۴۹ قانون تجارت

بمدیرانی که از طرف شرکت معین شده است اجازه داده اند که در صورت تجویز اساسنامه با تصویب یکدیگر شخص خارج را بجای خود معین کنند.

مدیر های مزبور بطوریکه قانون مقرر داشته است ممکن است موظف یا غیر موظف باشند.

مدیرهای موظف

مدیرهای موظف اشخاصی هستند که در مقابل زحماتی که برای اداره کردن امور شرکت متحمل میشوند آخر هر ماه سال یا موعده معین مقرری ثابتی دریافت میدارد کلمه موظف مشتق از وظیفه است که در این جا بمعنای عینی آن استعمال شده و بمعنی مواجب و مزد میباشد و نباید تصور شود که مقصود از مدیر موظف کسی است که انجام وظایف خاصی بعهده او بود - یا آنکه مدیر عامل یا مدیر مسئول میباشد

مدیرهای غیر موظف

مدیرهای غیرموظف کسانی هستند که برای شرکت مجاناً کار میکنند و در مقابل زحمات خود حقوق یا مقرری دریافت نمیکند.

اغلب اتفاق می افتد که صاحبان سهام شرکتی به - منافع سهام خود اکتفا کرده و برای حسن جریان و همچنین نظارت در امور شرکت مدیریت شرکت را قبول و انجام وظیفه می نمایند.

انتخاب مدیر غیرموظف تقریباً اختصاص بشرکتهای تضامنی دارد که بک یا چند نفر از شرکاء ضامن عهده دار مدیری شرکت میشوند و باخذ حصه خود از منافع شرکت اکتفا می نمایند ولی در شرکتهای سهامی این قبیل مدیران کمتر انتخاب میشوند و اگر هم انتخاب شوند فقط از نقطه نظر اطلاعات فنی و تجارتهای آنها است که برای امور شرکت نافع و توسط هیئت مدیره مورد استفاده قرار میگیرد.

در صورتی که مدیر های شرکت موظف باشند مواجهی که برای آنها تعیین میشود غالباً طبق مقررات اساسنامه است در این صورت نمیتوان بمبلغ آن افزود و یا از آن کسر کرد.

هرگاه مقرری مزبور در اساسنامه قید شده باشد پرداخت آن جزء دیون شرکت محسوب و در صورتیکه منافی عائد شرکت نشود دیون مزبور باید از سرمایه تأدیه گردد و ضمناً اگر قرارداد موجب مدیر باین عمارت باشد که (حقوق سالیانه) مثلاً ده هزار تومان مدیر مزبور باید تمام سال را خدمت کند تا مستحق موجب باشد ولی اگر ذکر شده باشد از «قرار سالی» مثلاً ده هزار تومان در این صورت مدیر مزبور مستحق اخذ آن مقدار از حقوق خود میباشد که در عرض سال انجام وظیفه نموده است.

هیئت مدیره

بموجب صریح ماده ۴۸ تمدد مدیران شرکتهای سهامی ضروری نبوده و حتی ممکن است امور شرکت بوسیله یک نفر مدیر اداره شود ولی نظر با اهمیت موضوع و مسئولیت مقام و زحمت کار کمتر اتفاق می افتد که شرکت سهامی با انتخاب یک نفر مدیر اکتفا نماید و همیشه چند نفر که اغلب عده فردی میباشند مثلاً سه یا پنج نفر برای اداره امور شرکت انتخاب میشوند و عده مزبور هیئت مدیره را تشکیل میدهند در این موارد بر حسب دستور ماده ۴۹ هیئت مدیره باید یک نفر از میان خود بسخت ریاست انتخاب کنند.

در مواردیکه بیش از یک نفر بسخت مدیری شرکت سهامی انتخاب میشود طریقه اداره کردن شرکت توسط اشخاص مزبور باید صریحاً در اساسنامه معین شود زیرا قانون تجارت نسبت باین موضوع ساکت است و در صورتیکه اساسنامه نیز ساکت باشد حل قضایای دقیق تجارتي موکول باستنباط از کلیات میگردد و حتی المقدور اجتناب از توسل باستنباط از نقطه نظر مصالح شرکت و اشخاص ثالث واجب است.

اختیارات مدیران

بطور کلی اختیارات مدیر یا مدیران شرکتهای سهامی بموجب اساسنامه دقیقاً تعیین میگردد و تجاوز از اختیارات مصرحه در اساسنامه ایجاد مسئولیتی برای شرکت نخواهد نمود و شخص مدیر یا مدیران در مقابل اشخاص

متضرر مسئول خواهند بود مگر اینکه عمل مدیر یا مدیران بعداً مورد تنفید شرکت واقع شود - تنفید مزبور در موردی مؤثر خواهد بود که خود شرکت توانائی انجام عمل مزبور را داشته باشد.

در صورتیکه اختیارات مدیر یا مدیران در اساسنامه تصریح و محدود شده باشد توسیع آن از طرف شرکت از طریق تصمیم مجمع عمومی طبق مقررات قانون تجارت مانعی نخواهد داشت و مدیرها میتوانند با استفاده از ماده ۵۷۹ قانون مدنی در حدود اختیارات کلی که در اساسنامه مقرر شده با عمالی که برای اداره کردن شرکت لازم است اقدام کنند بنا بر این اقدامات مدیران همیشه تابع عرف و عادت تجارتي خواهد بود و باین مناسبت اقدام بعملیاتی که صریحاً در اساسنامه ذکر نشده اگر برای اداره کردن شرکت در حدود عرف تجارتي ضرورت داشته باشد خارج از اختیارات مدیر یا مدیران مزبور نبوده و اقدامات مذکور متوجه شرکت و نافذ است و طبق ماده ۵۷۷ قانون مدنی مدیر یا مدیران مزبور بهیچوجه مسئول خسارات حاصله از اعمال خود نخواهند بود مگر در صورت تفریط یا تعدی.

تسلیم اختیارات بشخص دیگری منع قانونی ندارد بنا بر این انجام وظایف محوله بمدیران شرکت لازم نیست مستقیماً از طرف آنها بعمل آید بلکه با استفاده از ماده ۴۹ قانون تجارت در صورتیکه اساسنامه شرکت اجازه داده باشد مدیران میتوانند انجام وظایف مذکور را با اشخاص خارجی نیز محول نمایند لکن اقدام باین عمل رافع مسئولیت مدیر یا مدیران نسبت بشرکت نمیباشد لذا مسئولیت اعمال خارج مذکور در مقابل شرکت بعهده مدیران خواهد بود.

اختتام اختیارات مدیران قاعداً با حکم یا اخذ تصمیم بانحلال شرکت توأم است و لکن خاتمه پیدا کردن اختیارات هر مدیری در نتیجه عزل و منعزل شدن آن مدیر در مواردیکه قانون پیش بینی نموده مثلاً در موارد حجر و ورشکستگی عدم حضور غیر مجوز در مجامع هیئت مدیره یا انتقال سهامیکه برای احراز صلاحیت مدیران معین شده و غیره انجام میشود.